

واکاوی فقهی تبعیت از والدین از منظر آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی مصطفی رحمان پور^۱

چکیده:

برخلاف تصور اشتباهی که در بین برخی افراد جامعه وجود دارد که اطاعت از پدر و مادر را در هر موردی واجب می‌دانند، هرچند سلیقه شخصی آن‌ها در آن کار دخالت داشته باشد، مانند: انتخاب نوع مبلمان برای منزل، یا رنگ لباس و دیگر موارد در این نوشتار ثابت شده است، تبعیت از والدین آن قدر وسیع نیست که بخواهد فرزند را همچون عبدی در مقابل مولای خویش قرار دهد، و او را در همه موارد مطیع محض والدین خود بداند؛ بلکه در صورتی که تخلف از اوامر سبب ایذا والدین گردد، اطاعت لازم است، در غیر این مورد، دلیلی بر وجوب اطاعت از آن‌ها نداریم.

کلیدواژه‌ها:

اطاعت والدین - گستره‌ی تبعیت - تزامم امر والدین - وجوب اطاعت - فقه

^۱. پژوهشگر و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم.

مقدمه

از دیدگاه اسلام توجه به والدین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که قرآن کریم بعد از دعوت مردم به توحید آن‌ها را به نیکی به والدین سفارش می‌کند از لحاظ اجتماعی جامعه‌ای روبه پیشرفت خواهد بود که در آن خانواده‌هایی تشکیل شود که فرزندان جایگاه والدین را به خوبی بشناسند و با تبعیت از آن‌ها زمینه را برای رشد و بالندگی خود فراهم سازند تا جامعه‌ای پیشرفته و کارآمد داشته باشند.

بنابراین فرزندان برای پیشرفت معنوی در یک جامعه دینی باید محدوده‌ی اطاعت از والدین را بدانند و برای روشن شدن این محدوده، مقاله را در چهار بخش اصلی تنظیم می‌نماییم که در مبحث اول به مقتضای قاعده اولیه در مسئله و در مبحث دوم به بررسی ادله‌ی وجوب اطاعت از والدین و در مبحث سوم دیدگاه فقها در این مسئله و در مبحث پایانی به فرض تزامم امر والدین می‌پردازیم.

قبل از ورود به بحث لازم است به پیشینه‌ی این مسئله اشاره‌ای شود در میان فقها اولین فقیهی که این بحث را در کتاب فقهی خود مطرح کرده است، شیخ طوسی (ره) است (طوسی، ۱۳۸۷، ق، ۲، ۷) و بعد از ایشان فقهای متأخر به مناسبت بحث جهاد و صلاه و صوم تا حدودی به این بحث پرداخته‌اند.

مبحث اول: مقتضای قاعده‌ی اولیه عدم وجوب اطاعت از والدین

قبل از اینکه به بررسی آیات و روایات مرتبط با والدین بپردازیم باید دانست که مقتضای قاعده‌ی اولیه، آزاد بودن اشخاص و عدم ولایت، شخصی نسبت به دیگری است همان گونه که در حدیثی امیر المومنین علیه‌السلام خطاب به فرزندان امام حسن علیه‌السلام می‌فرمایند: بنده‌ی کسی نباش درحالی که خداوند تو را آزاد آفریده است (الرضی، ۱۴۱۴، ق، ۴۰۱).

فقها نیز این قاعده را متذکر شده‌اند؛ مرحوم آقا ضیاء عراقی می‌فرمایند شکی نیست که اصل بر عدم ولایت و عدم نفوذ حکم شخصی نسبت به دیگری است (عراقی، ۱۳۸۸، ۱۶۲). یا اینکه مرحوم کاشانی می‌فرمایند: به مقتضای اصول شرعی، افراد نسبت به یکدیگر ولایت ندارند (ملاحیب کاشانی، ۱۴۰۴ هـ ق، ۲۷۸) مرحوم بجنوردی می‌فرمایند: شکی نیست که مقتضای اصل اولی ولایت

نداشتن شخصی بر مال و نفس دیگری است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۲۵۲). بنابراین طبق قاعده‌ی اولیه می‌توان گفت حکم والدین نسبت به فرزندان نافذ نیست.

مبحث دوم: ادله‌ی وجوب اطاعت از والدین

بعد از بررسی قاعده‌ی اولیه باید دید که در آیات قرآن کریم یا روایات معصومین علیهم‌السلام، دلیلی بر اطاعت از والدین یافت می‌شود؟ یا خیر؟ آنچه از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود، سفارش به معاشرت و وجوب نیکو داشتن با والدین، (لقمان، ۱۵) انفاق به والدین (بقره ۲۱۵)، تشکر و سپاسگزاری از والدین (لقمان ۱۴) و احسان به آن‌ها (اسراء ۲۳) تواضع و مهربانی با آن‌ها (اسراء ۲۴) است و از طرفی آیات دیگری وجود دارد که از آن‌ها حرمت ایذاء والدین استفاده می‌شود مانند آیه‌ای که نهی از گفتن «أف» به والدین می‌کند (اسراء، ۲۳) و نیز نهی از راندن آن‌ها از خود در زمانی که آن‌ها به سن پیری رسیده‌اند (اسراء، ۲۳).

بررسی آیات مربوط به والدین

علماء در علم اصول معتقدند: فعل امر ظهور در وجوب دارد، (مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۵) متعلق امر هر چه بود فقط آن چیز واجب می‌شود و دلیلی بر وجوب سایر امور نداریم اگر فرمود: (وصاحبهما فی الدنيا معروفاً) با پدر و مادرت در دنیا معاشرت نیکویی داشته باش چون «صاحب» فعل امر، است معاشرت نیکو داشتن واجب شود. بنابراین اگر والدین به فرزندان امر کردند که در کارهای منزل به آن‌ها کمک کنند، اگر در این زمینه تخلفی کنند به گونه‌ای که عرف بگوید شما با پدر و مادرت معاشرت نیکویی نداری در این صورت می‌گوییم، اطاعت از آن‌ها واجب است چون عرف اطاعت در این موارد را مصداقی از معاشرت نیکو می‌داند. اما اگر والدین به فرزندان امری کردند که تخلف آن با معاشرت نیکو داشتن با آن‌ها منافاتی نداشته باشد، در این صورت می‌گوییم اطاعت واجب است. مثلاً اگر پدر و مادر به فرزند بگویند باید در نماز جماعت شرکت کنی، اطاعت از آن‌ها واجب نیست چون شرکت نکردن در نماز جماعت منافاتی با معاشرت نیکو داشتن ندارد همان‌گونه که در این‌گونه موارد آقای خوئی (ره) اطاعت کردن را واجب نمی‌داند (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۲۶). بنابراین هر جا اطاعت کردن مصداقی از عناوین مذکور در آیات شد، اطاعت واجب می‌شود و همچنین اگر ترک اطاعت



از والدین موجب ایذاء آنها شد می‌گوییم به دلیل آیات دال بر حرمت ایذاء اطاعت در این موارد واجب می‌شود اما در سایر اموری که به این دودسته از عناوین رجوع نمی‌کنند اطاعت واجب نخواهد بود.

بررسی روایات دال بر وجوب اطاعت از والدین

روایت اول: شخصی نزد رسول اکرم (ص) آمد سؤال کرد آیا همراه با شما به جهاد بیایم؟ حضرت فرمودند: آیا پدر و مادر داری؟ گفت، بله فرمود نسبت به آنها مجاهدت کن در خدمت آنها باش (ابن ابی جمهور ۱۴۰۵ ق، ۲، ۲۳۸؛ بخاری، ۱۴۱۰ ق، ۹۰، ۲۱۰، احمد ۱۴۱۶ ق، ۱۱، ۱۳۴) همان‌گونه که در استدلال به آیات ذکر کردیم فعل امر، ظهور در وجوب، دارد در اینجا نیز پیامبر امر به مجاهدت و در خدمت والدین بودن کنند که باید واجب باشد.

روایت دوم: شخصی به سمت رسول اکرم مهاجرت کردند، حضرت به او فرمود آیا سرپرستی کسی را به عهده‌داری؟ گفت بله پدر و مادرم فرمود آیا از آنها اذن گرفتی؟ (و به سمت من برای جهاد کردن مهاجرت کردی) گفت خیر، فرمود: پس برگرد و از آنها اذن بگیر اجازه دادند جهاد کن و الا آنها را خوشحال کن (با ماندن نزد آنها) (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق، ۲، ۲۸۳؛ ابی داود، ۱۴۲۰ ق، ۳، ۱۰۹۶) از این روایت نیز استفاده می‌شود که وقتی اذن پدر و مادر برای جهاد شرط است اطاعت آنها در رفتن یا نرفتن به جهاد به طریق اولی، لازم است.

روایت سوم: از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند: فرزند باید در حق پدر و مادرش سه چیز را رعایت کند؛ سپاسگذار آنها باشد در هر حالی اطاعت کردن از آنها در آنچه که به او امر می‌کنند و او را نهی کنند البته در غیر از معصیت خداوند و خیرخواه پدر و مادر در نهان و آشکار باشد (ابن شعبه حرانی ۱۴۰۴ ق، ۳۲۲) این روایت به صراحت می‌فرماید که فرزند باید مطیع پدر و مادر باشد.

روایت چهارم: امیر المؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید فرزند بر پدر خود حقی دارد و پدر نیز بر فرزندان خود حقی دارد اما حق پدر بر فرزند این است که او را در هر چیزی از معصیت الهی اطاعت کند و حق فرزند بر پدر این است که نام

نیک برای او انتخاب کند و او را خوب ادب کند و به او قرآن بیاموزد (الرضی، ۱۴۱۴ ق، ۵۴۷). این روایت نیز به صراحت می‌فرماید حق پدر این است که فرزند او را اطاعت کند، پس اطاعت کردن واجب است.

روایت پنجم: شخصی نزد حضرت رسول آمد و عرض کرد به من توصیه‌ای کن حضرت فرمودند: شرک به خداوند نوز هر چند تو را در آتش بیندازد و تو را عذاب کند و اگر در آتش انداخت و عذاب کرد قلب تو باید مطمئن به ایمان باشد و نسبت به پدر و مادرت اطاعت آنها را بکن و به آنها نیک کن چه زنده باشند چه از دنیا رفته باشند و اگر به تو امر کردند که از اموال و همسرت خارج شو همسرت را طلاق بده و مالت را خرج کن این کار را انجام بده (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱۵۸) این روایت نیز به صراحت می‌فرماید که اطاعت از والدین لازم است.

جمع بندی: از مجموع روایات مطرح شده استفاده می‌شود که اطاعت از والدین لازم و واجب می‌باشد و ضمناً تفاوتی در موارد اطاعت وجود ندارد.

نقد روایات دال بر وجوب اطاعت از والدین

روایت اول و دوم: از لحاظ محتوا برای اثبات مدعا مناسب هستند اما از لحاظ سندی ضعیف است، قابل استناد نیست چون در منابع اهل سنت ذکر شده نه کتب حدیثی شیعی و راویان آن اهل سنت هستند. همانگونه که صاحب جواهر به عامی بودن روایت دوم اشاره می‌کند (صاحب جواهر ۱۴۰۴، ج ۳۱ ص ۲۳) و روایت را به همین دلیل کنار می‌گذارد.

روایت سوم و چهارم: نیز گرچه از لحاظ دلالت صراحت در مدعا دارد اما چون از کتاب تحف العقول نقل شده است و احادیث این کتاب دارای سند نیستند تمسک به این روایت را مشکل می‌کند. اما روایت چهارم گرچه از لحاظ سندی مشکلی ندارد اما به لحاظ محتوا نمی‌توان بر وجوب اطاعت از والدین به آن استناد کرد چرا که اولاً: سیاق حدیث با وجوب سازگار نیست چون در حدیث می‌فرماید حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو برای او انتخاب کند که انجام این کار مورد پسند شارع مقدس هست اما فقهاء فتوا به وجوب انتخاب اسم نیکو برای فرزند نمی‌دهند و از اینکه یک حق نام (نیکو انتخاب کردن) واجب نشد



استفاده کنیم به قرینه‌ی سیاق که سایر حقوق نیز واجب نیستند که یکی از آنها اطاعت از والدین باشد.

ثانیاً: به مجرد اثبات حقی برای شخصی وجوب اداء آن حق بر دیگری ثابت نمی‌شود چرا که ممکن است اداء آن حق توسط دیگری مستحب باشد همانگونه که در رساله‌ی حقوق امام سجاد علیه السلام حقوق زیادی برای چشم گوش و سایر اعضاء بدن بیان شده است (یثربی، ۱۳۸۵، ۱، ۱۱۳) اما فقهاء فتوا نمی‌دهند که اداء همه‌ی این حقوق واجب است.

روایت پنجم: گرچه از لحاظ سندی قابل قبول است اما به لحاظ دلالت نمی‌توان گفت دلالت اطاعت دارد چرا که اولاً روایات دیگری که در مورد تنازع بین پدر و فرزند است پیامبر بین آنها حکم کرده است و حکم را مطلقاً به پدر نداده و نفرموده که جای نزاع نیست و باید فرزند حرف پدر را گوش کند. ثانیاً: ذیل همین روایت عبارت فأن ذالک من الأیمان دارد که قرینه است بر اخلاقی بودن و مستحب بودن اطاعت از والدین که مرحوم آقای خوئی به این دو اشکال اشاره می‌کنند (خوئی، ۱۴۱۸ ق، ۱۷، ۲۶).

در نهایت با توجه به نقدی که بر روایات مطرح گردید به دست می‌آید که این روایات یا مشکل سندی دارد و یا دلالتی لذا استنباط مدعا نمی‌کند.

مبحث سوم: محدوده‌ی اطاعت از والدین

تا به اینجا از ادله وجوب اطاعت از والدین به صورت مطلق، استفاده نشد، اما اگر کسی قائل به وجوب باشد همانگونه که تعدادی از فقهاء قائل هستند باید دید که حد و مرز اطاعت از والدین تا کجا است؟

الف: وجوب اطاعت در فرض عدم مخالفت با خداوند

خداوند می‌فرماید: اگر پدر و مادر از تو خواستند که به خداوند شرک بورزی اطاعت از آنها نکن (عنکبوت ۸) همچنین در روایتی می‌فرمایند اگر اطاعت از مخلوقین موجب معصیت خداوند شود، چنین اطاعتی واجب نیست (الرضی، ۱۴۱۴ ق، ۵۰۰).

ب: وجوب اطاعت در فرض عدم حرج

در علم فقه یک دسته عناوینی وجود دارد که شارع مقدس احکام را بر همان عناوین به دلیل مصلحت و مفسده‌ای که دارند مترتب می‌کند مثل وجوب نماز به دلیل اینکه معراج مؤمن است قمی، ۱۴۱۴ ق، ۳، ۲۶۸) یا به دلیل اینکه انسان را به خداوند نزدیک می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۳، ۲۶۵) تشریح شده است و یا حرمت نوشیدن شراب به دلیل مفسده‌ی مست‌کننده بودن حرام شده است (بهبهانی ۱۴۲۶، ۲۰) یک دسته عناوینی دیگر وجود دارد که در اصطلاح به آنها عناوین ثانویه می‌گویند که بر عناوین قبلی مقدم هستند مثل عسر و حرج، ضرر که در جایی انجام و یا ترک یک عمل ضرر به فرد شود یا برای او مشقت آور باشد شارع مقدس وجوب و یا حرمت آن را بر می‌دارد در این زمینه قرآن به صراحت می‌فرماید: اگر شخصی به دلیل مریضی نمی‌تواند روزه بگیرد در ایام دیگر بگیرد (بقره، ۱۸۴، ۱۸۵) که با این آیه حکم ضرری را نفی کند یا در جایی دیگر می‌فرماید: در دین حکمی که حرجی و مشقت بار باشد جعل نشده است (حج، ۷۸) بنابراین اگر والدین به فرزند مریض خود امر کنند که باید روز عید غدیر یا نیمه شعبان که روزه گرفتن مستحب مؤکد است، روزه بگیرد روزه گرفتن واجب نمی‌شود همچنین اگر به فرزند خود دستور دهند که پیاده باید تا فلان مکان زیارتی بروی به گونه‌ای که پیاده روی زیاد برای او مشقت آور باشد اطاعت از آنها واجب نیست.

ج: قدرت فرزند بر اطاعت

فقهاء یکی از شروط عامه‌ی تکلیف را «قدرت» می‌دانند (کاشف الغطاء بی‌تا (۱۰۱). بنابراین اگر والدین به فرزندان خود یک دستوری دهند که آنها قادر بر انجام آن نباشد، اطاعت کردن واجب نیست. مثلاً اگر والدین در منزل به فرزند دستور دهند که فلان جسم سنگین را که قادر بر جابجایی آن نیست، نزد آنها بیاورد چنین دستوری اطاعتش لازم نیست.

د: وجوب اطاعت در فرض ایذاء والدین

اگر ترک عملی که والدین به آن امر کرده‌اند یا انجام عملی که والدین از آن نهی کرده‌اند موجب ایذاء آنها شود در آن موارد واجب می‌شود چون در صورت ترک اطاعت زمینه‌ی ایذاء والدین را فراهم می‌کند که است به دلیل آیه‌ی



شریفه‌ی «لا تقل لهما اف به پدر و مادرت اف نگو (اسراء، ۲۳) از آیه استفاده حرام می‌شود چون اف گفتن موجب ناراحتی و ایذاء والدین است خداوند می‌فرماید که اف نگویید. بنابراین هر کاری که زمینه‌ی ایذاء آنها را فراهم می‌کند حرام است.

مبحث چهارم: اقوال علماء در حکم اطاعت از والدین

همانگونه که در پیشینه‌ی بحث ذکر شد، ظاهراً اولین فقیهی که به بررسی حکم اطاعت از والدین پرداخته است شیخ طوسی است که قائل به وجوب اطاعت از والدین به صورت مطلق است (طوسی، ۱۳۸۷، ق، ۲، ۷) و بعد از ایشان علامه حلی (حلی، ۱۴۱۲، ق، ۱۴، ۳۸، ۱۴۲۰، ق، ۲، ۱۳۳، ۱۴۱۴، ق، ۹، ۳۱)، فخر المحققین (حلی ۱۳۸۷ هـ ق) شهید اول (شهید اول ۱۴۱۷، ق، ۲ (۲۹) شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ق، ۲ (۳۸۴) محقق کرکی ۱۴۱۴، ق، ۳، ۳۷۰) کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ق، ۴ (۴۲) میرزای قمی قمی، ۱۴۱۳، ق، ۱، ۴۰) سید یزدی (یزدی، ۱۴۰۹، ق، ۱، ۷۶۴) و مرحوم حکیم (حکیم، ۱۴۱۶، ق، ۷ (۱۷۰) این مبنا را پذیرفته‌اند و در مقابل عده‌ای از فقهاء اطاعت از والدین را با عنوان اطاعت از آنها واجب نمی‌دانند بلکه با عناوینی نظیر حرمت ایذاء، وجوب احسان و... تبعیت را لازم می‌دانند بنابراین طبق مبنای این فقهاء اطاعت از والدین در صورتی که به این عناوین بازگشت داشته باشد واجب می‌شود و اطاعت را به صورت مطلق واجب نمی‌دانند. مانند صاحب جواهر، (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۲۱ (۲۳) مرحوم نائینی (نائینی، ۱۴۱۱، ق، ۲، ۳۵۸) آقا ضیا عراقی (عراقی، ۱۴۱۵، ق، ۱۲۰) و آقای خوئی (خوئی، ۱۴۱۸، ق، ۸۷، ۲۶) که به بررسی مبنای آنها خواهیم پرداخت.

وجوب اطاعت از والدین به صورت مطلق

شیخ طوسی (ره) می‌فرماید: اگر پدر و مادر مسلمان باشند و جهاد، واجب کفایی باشد، با امر والدین، واجب عینی می‌شود و با نهی، والدین وجوب کفایی از فرزند ساقط می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷، ق، ۲، ۷) دلیل ایشان روایتی است که از ابن عباس نقل می‌کند که شخصی از رسول اکرم سؤال کرد: آیا جهاد کنم؟ حضرت فرمودند: آیا پدر و مادر داری؟ گفت، بله حضرت فرمودند در مورد پدر و مادرت جهاد کن (در خدمت آنها باش) (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ق، ۲، ۲۳۸). اما همان

گونه که در نقد روایات ذکر کردیم این روایت از مصادر اهل تسنن نقل شده است نه کتب حدیثی شیعی لذا از لحاظ شمول قابل استناد نیست. همان گونه که صاحب جواهر نیز این مطلب را تذکر داده‌اند، (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱ ۲۳) و احتمال می‌رود و خوب اطاعتی که در اینجا هست از باب ولایت رسول اکرم بر مؤمنین بوده که به آنها حکم کرده است در باب جهاد در آن زمان به جنگ بروند بنابراین امکان دارد حکم ولایی باشد و مربوط به زمان خاص نه حکم همگانی و فراگیر؛ علامه حلی می‌فرماید: جهاد واجب کفایی است و اطاعت از والدین واجب عینی و واجب عینی بر کفایی مقدم است (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ۹، ۳۰)

شهید اول می‌فرماید: مسافرت‌های مباح و مستحب بدون اذن والدین حرام است همچنین فرزند نباید بدون اذن پدر روزه بگیرد و اگر خواست عهده ببندد یا قسمی بخورد در غیر از کار واجب و ترک حرام باید با اذن پدر و مادر باشد (شهید اول بی تا ۴۷ ۲)

شهید ثانی می‌فرماید: اگر امام معصوم علیه السلام امر به جهاد کرد والدین حق مخالفت ندارند اما در صورتی که واجب کفایی باشد پدر و مادر حق ممانعت را دارند همچنین سفر برای تحصیل علم، اگر برای شناخت علمی باشد که شناخت آن واجب عینی است مثل اثبات خداوند پدر و مادر حق منع کردن را ندارند اما اگر مسافرت کردن برای تحصیل علمی باشد که به واسطه آن شبهات را دفع کند سفر می‌شود واجب کفایی و پدر و مادر حق منع دارند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ۲، ۳۸۴، ۱۴۱۳ ق، ۲، ۲۹).

محقق کرکی می‌فرماید: اگر جهاد واجب تعیینی نباشد والدین می‌توانند فرزند را از مسافرت منع کنند (کرکی، ۱۴۱۴ ق، ۳ ۳۷۰) میرزای قمی می‌فرماید و خوب اطاعت از پدر و مادر در غیر از امر به معاصی و نهی از واجبات فی الجمله، اجماعی است (قمی، ۱۴۱۳ ق، ۱، ۲۴۰) سید یزدی می‌فرماید: اگر والدین به فرزند امر کنند که در نماز جماعت شرکت کند بعید نیست گفته شود شرکت در نماز جماعت برای فرزند واجب است (یزدی، ۱۴۰۹، ۱ ۷۶۴) مرحوم حکیم می‌فرماید شرکت در نماز جماعت با امر والدین واجب می‌شود (حکیم، ۱۴۶۰ ق، ۷، ۱۶۹).



بررسی عدم وجوب اطاعت از والدین به صورت مطلق از دیدگاه فقهاء

بر پایه مطالعات و بررسی‌های انجام شده؛ نخستین کسی که مبنای وجوب اطاعت از والدین به صورت مطلق را مورد نقد قرار می‌دهد مرحوم صاحب جواهر است که می‌فرماید: تمامی روایاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن کرده‌اند به اطاعت از والدین در خصوص جهاد ممکن است از جانب ولایتی باشد که رسول اکرم بر مؤمنین دارد و از باب حکم حاکم اطاعت از والدین واجب شده باشد نه اینکه اطاعت از والدین بخواهد وجوب مستقلی داشته باشد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ ق، ۲۱، ۲۳) در اینجا ممکن است کسی اشکال کند که بالاخره اگر، مخالفت با والدین صورت بگیرد، موجب عاق آن‌ها می‌شود که حرام است، پس باید بگوییم اطاعت کردن مطلقاً واجب می‌شود در پاسخ می‌گوییم همانگونه که در «قاموس» و در «نهایه» ذکر شده است، عاق، ضد بر است. بنابراین اینگونه نیست که هرگونه مخالفتی با والدین بخواهد عاق آن‌ها را به دنبال داشته باشد بلکه هر اطاعتی که بر و نیکی رساندن به والدین محسوب می‌شود اگر مخالفت شود عاق را به دنبال خواهد داشت. بنابراین فقط اوامری وجوب اطاعت دارند که تخلف آنها خلاف بر باشد و مخالفت با آنها ایذاء را به دنبال داشته باشد چون از آیهی شریفه «فلا تقل لهما اف (اسراء، ۲۳) حرمت ایذاء به مقدار کم باشد را استفاده کردیم. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ ق، ۲۱، ۲۴).

مرحوم نائینی می‌فرماید: اگر والدین امر کنند که فرزند در نماز جماعت شرکت کند دلیلی بر وجود اطاعت از آنها وجود ندارد آنچه مسلم است حرمت ایذاء والدین است بلکه در برخی موارد مثل نهی از مسافرت اطاعت از آنها واجب است چون به ایذاء آنها بر می‌گردد (نائینی، ۱۴۱۱، ۲، ۳۵۸).

مرحوم آقا ضیاء می‌فرماید از طریق مفهوم موافق اولویت از آیهی شریفه «فلا تقل لهما اف» استفاده کنیم که هر عملی که موجب اذیت والدین شود حرام است و دلیلی بر وجوب عنوان اطاعت از والدین نداریم (عراقی، ۱۴۱۵ ق، ۱۲۰).

مرحوم محقق خوئی می‌فرماید: دلیلی بر وجوب اطاعت از والدین مثل اطاعت عبد از مولی وجود ندارد و روایتی را که حضرت فرمودند: اگر پدر و مادرت امر کردند که همسرت را طلاق بده یا امالت را در فلان طریق مصرف کن این روایت را بر یک حکم اخلاقی استجابی عمل می‌کنیم به دلیل ذیل روایت که می‌فرماید:

«فَأَنْ ذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ» که اطاعت در این گونه موارد را نشانه‌ی ایمان فرزند دانسته‌اند. علاوه بر اینکه اگر اطاعت از والدین به نحو مطلق واجب می‌بود نباید در مواردی که بین پدر و فرزند در خصوص مال اختلاف پیش می‌آمد پیامبر بین آنها حکم می‌کرد بلکه باید حضرت به فرزند می‌فرمود از پدرت اطاعت کن در حالی که روایات خلاف این است، (خوئی، ۱۴۱۸ ق، ۱۷، ۲۶)

مبحث پنجم: تزاحم امر والد با والده

در مسائل زندگی گاهی خواسته‌های انسانها با یکدیگر در تزاحم است و به ناچار باید یک خواسته را مقدم کرد. اگر پدر به فرزند بگوید فلان کار را انجام بده و مادر بگوید آن کار را ترک کن در این صورت وظیفه‌ی فرزند چیست؟

به نظر می‌رسد اطاعت از مادر مقدم است چرا که هنگامی که خداوند متعال بحث قدردانی از والدین را مطرح می‌کند در کنارش اهتمام بیشتری به ذکر زحمات مادر برای فرزند دارد گرچه زحمات پدر را نادیده نمی‌گیرد ولی مادر را به صورت خاص ذکر می‌کند که فرمود: (وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ) (لقمان ۱۴) آدمی را درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش به او حامله شد و هر روز ناتوان‌تر می‌شد و پس از دو سال از شیرش باز گرفت و علاوه بر آن روایاتی وجود دارد که اهتمام بیشتر به مراعات حال مادر را می‌رساند به عنوان نمونه در حدیثی هست که شخصی خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت می‌فرماید به مادرت، مرتبه دوم سؤال کند بعد از مادر به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمودند به مادرت مرتبه سوم سؤال کردند بعد از مادر؟ حضرت فرمود به مادرت در مرحله چهارم سؤال کردند بعد از مادرم به چه کسی نیکی کنم؟ فرمودند به پدرت (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲ ۱۵۹) که از این استفاده می‌شود شود مراعات حال مادر در فرض تزاحم مقدم است بر پدر همانگونه که مرحوم نراقی و میرزای قمی فتوا به تقدیم امر مادر بر پدر می‌دهند (نراقی، ۱۴۲۲، ۱، ۲۴۰؛ ۱۴۱۳، ۱، ۲۴۱) شاید حکمت آن این باشد که مادر نسبت به فرزندش شفقت بیشتری دارد تا پدر نسبت به فرزندان، به همین دلیل در صورت مخالفت با او بیشتر از پدر ایذاء می‌شود لذا امر او مقدم شده است.



نتیجه گیری

از آنچه که گذشت می توان نتیجه گرفت که گرچه مراعات حال والدین در هر شرایطی مطلوب و مستحب است اما اطاعت از والدین وجوب مستقلی ندارد بلکه اگر تخلف از والدین، تحت عناوین، ایذاء و عاق والدین واقع شود باید از آنها اطاعت کرد و همچنین در صورتی که تحت عناوین احسان به والدین یا معاشرت نیکو با آنها داشتن واقع شود اطاعت کردن واجب می شود و می توان گفت این مقداری که ذکر شد و از فقهاء کسی مخالف با این محدوده نیست اما خارج از این محدوده دلیل معتبری بر وجوب اطاعت از والدین به صورت مطلق به نحو اطاعت عبید و موالی نداریم و می توان گفت فقهای که به نحو مطلق اطاعت از والدین را ذکر کرده اند مرادشان همان اطاعتی است که ترک آن سبب ایذاء والدین است. بنابراین اگر در اموری مثل شرکت در نماز جماعت که منافاتی با معاشرت نیکو داشتن ندارد یا اموری که سلیقه اشخاص دخیل است مثل انتخاب یک مدل کفش یا لباس اگر والدین امری داشته باشند مخالفت با آن حرام نیست گرچه اطاعت کردن آن اوامر برای به دست آوردن دل والدین و خوشحال کردن آنها امری مطلوب و مستحب است.

فهرست منابع

قرآن کریم

شریف الرضی، محمد بن حسین نهج البلاغه (مترجم صبحی صالح هجرت، اول، قم، ۱۴۱۴ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه تهران، چهارم، ۱۴۰۷ ق
ابن شعبه حرانی، تحف العقول، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ ق.

ابن ابی، جمهور محمد بن زین الدین عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه،
دار سید الشهداء،
قم، اول، ۱۴۰۵ هـ ق.

حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر، اسدی، ارشاد الأذهان إلى احکام الايمان،
دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۰ هـ ق.

گیلانی، میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات فی اجوبه
الاستفتاءات، مؤسسه کیهان تهران اول، ۱۴۱۳ هـ ق.

عاملی، کرکی محقق ثانی علی بن حسین جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه
آل البيت عليهم السلام، قم، دوم، ۱۴۱۴ هـ ق.

اردبیلی احمد بن، محمد زبده البیان فی احکام القرآن المكتبة الجعفریه، تهران، اول،
هـ ق.

عاملی شهید، اول محمد بن مکی الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، دفتر انتشارات
اسلامی قم، دوم،
۱۴۱۷ هـ ق.

خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، موسوعه الامام الخوئی، مؤسسه احیاء آثار الامام
الخوئی، قم، اول،
۱۴۱۸ هـ ق.

حکیم، سید محسن طباطبائی، مستمک العروة الوثقی، مؤسسه دار التفسیر، قم، اول،
۱۴۱۶ هـ ق.

عراقی، آقا ضیاء الدین علی کزازی تعلیقه الاستدلاليه علی العروة الوثقی، دفتر
انتشارات اسلامی قم، دوم، ۱۴۱۵ هـ ق.



شماره دوم
فایز و زمان
۱۴۰۲

نائینی، میرزا محمد حسین، غروی کتاب الصلاة للنائینی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول

کابلی، محمد اسحاق، فیاض تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی، انتشارات محلاتی، قم، اول، هق.

نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق.

حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر، اسدی تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم،

اول، ۱۴۱۴ هـ ق.

حلی علامه حسن بن یوسف بن مطهر، اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الاسلامیه مشهد اول، ۱۴۱۲ هـ ق.

حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، اول، ۱۳۸۷ هـ ق.

حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعیه علی مذهب الامامیه، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، اول، ۱۴۲۰ هـ ق.

طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه المكتبة المرتضویه، تهران، سوم،

۱۳۸۷ هـ ق.

عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی الروضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیه، کتابفروشی داورى قم، اول، ۱۴۱۰ هـ ق.

العراقی ضیاء الدین الاجتهاد والتقلید، قم، نوید الاسلام، اول، ۱۳۸۸ هـ ق.

الکاشانی ملاً، حبیب مدارک، القواعد چاپخانه، علمیه، قم، اول، ۱۴۴۰ هـ ق. ۲۵.

موسوی بجنوردی سید حسن بن آقا بزرگ القواعد الفقہیہ نشر الہادی، قم، ۱۴۱۹ هـ ق.

مغنیه، محمد جواد فقه الامام الصادق علیه السلام، قم، مؤسسه انصاریان دوم

عاملی شهید اول محمد بن مکی القواعد والفوائد، کتابفروشی مفید، قم، اول، هـ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب الکافی (مترجم) کمره ای محمد باقر) اسوه، قم، سوم، ۱۳۷۵ هـ ش.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، رسائل والمسائل، کنگره، نراقیین، قم، اول، ۱۴۲۲ هـ ق. الله الموسوی استفتاءات امام (خمینی) انتشارات اسلامی قم، پنجم، ۱۴۲۲ هـ ق. خمینی، سید روح
 وحید بهبهانی محمد باقر بن محمد اکمل حاشیه الوافی مؤسسه العلامه المجدد
 الوحيد البهبهانی قم، اول، ۱۴۲۶ هـ ق.،
 کاشف الغطاء، محمد حسین بن علی بن محمد، رضا سؤال و جواب مؤسسه کاشف
 الغطاء. ۳۳. عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع
 الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، اول، ۱۴۱۳ هـ ق.
 کاشف الغطاء، شیخ جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، بوستان کتاب،
 قم، اول، ۱۴۲۲ هـ ق.

یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، العروه الوثقی فیما به، البلوی مؤسسه الاعلمی
 للمطبوعات، بیروت لبنان، دوم، ۱۴۰۹ هـ ق
 شیخ عباس قمی سفینه البحار، اسوه، قم، اول، ۱۴۱۴ هـ ق.
 آیه الله سید محمد یثربی، سیری در رساله‌ی حقوق امام سجاد علیه السلام، فرهنگ
 آفتاب، چهارم، ۱۳۸۵ هـ ش.
 بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، جمهوری مصر العربیه، مصر - قاهره،
 دوم، ۱۴۱۰ هـ ق.
 ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، مؤسسه الرساله، بیروت - لبنان،
 اول، ۱۴۱۶ هـ ق.
 ابو داود سلیمان بن اشعث سنن ابی، داود دار الحدیث مصر - قاهره، اول، ۱۴۲۰ هـ
 ق.



شماره دوم
 پاییز و زمستان
 ۱۴۰۲